

## عوامل پارچه پارچه شدن دین اسلام به مذاهب وگروههای متعدد، وادامه آن ؟

(عدم درک واقعی از معنی و مفهوم دین اسلام و کلام الهی ، منافع شخصی یا تجارت بالای دین و تحریف احکام دینی با پیروی از خرافات، منافع زبانی ، قومی ، قبیله‌ای ، سیاسی و اقتصادی ، عامل عمده میباشد)

### بخش هشتم :

#### سازمان یا فرقه القاعد :

القاعده با الهام از نام اولین پایگاه نظامی سازمان قاعده الجهاد که علیه یهودیان و صلیبیان تحت نام جهاد فعالیت داشتند ، نامگذاری شد .

سازمان القاعده یکی از ثمرات جنگ سرد میباشد که از دین اسلام بخاطر تحقق اهداف سیاسی و منافع شخصی استفاده گردیده ، که با حمایت و پشتیبانی دول اسلامی ، بخصوص عربستان سعودی ، کشورهای غربی ، امریکا و تعداد از کشورهای دیگر بخاطر مقابله علیه اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۸ میلادی توسط یکی از شیخ های ملیار در عربستان سعودی بنام اسامه بن لادن تحت نام جهاد و مبارزه علیه (تجاوز شوروی به افغانستان ) در مناطق قبایلی کشور پاکستان ایجاد گردید . بعداً در سال ۲۰۰۱ میلادی رهبر سازمان جهاد اسلامی مصری با القاعده مدغم گردید و شخص دوم آن سازمان گردید .

القاعده پیرو افکار و هابیت بوده که ابن تیمیه پدر و رهبر معنوی این سازمان میباشد با اندیشه و عقل بکلی مخالف بوده و خواستار الغاء عملکرد عقل از تمام شئون زندگی میباشد . با فکر کردن و اندیشیدن مخالف بوده مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تایید نقل و احادیث باشد . بانی این افکار معتقد بود که : دلایل عقلی درست ، وقتی قابل شنیدن است که مخالف اخبار انبیا نباشد . فکر و عقلی که با اخبار و احادیث مخالف باشد نه عقل است و نه فکر ، آنان به احادیث و آیات منسوخ شده برای اثبات ادعاهای خود متوسل میشود ، یکی از دلایلیکه مخالفین اسلام از آن بعنوان ابزاری علیه اسلام در جهان بهره برداری تبلیغاتی می کنند ، این است که اسلام را دین خشونت نشان دهند . بدین لحاظ دلایل عقلی را در مقابل دلایل نقلی

بی ارزش میدانند، و زمینه های تفکر عقل و اندیشه را مسدود نموده و عملاً دعوت به جمود و تحجر فکری میکنند

حلقات القاعده در اکثر کشورهای جهان به شمول امریکا، اروپا، آفریقا، آسیا و استرالیا تحت عناوین مختلف مصروف فعالیتهای تروریستی بوده، تحت نام تطبیق شریعت و عدم فهم از معنی واقعی (جهاد)، روزانه مصروف قتل و کشتار انسانان در قاره های جهان میباشند، در حالیکه در دین اسلام و شریعت غرای محمدی قتل انسان، تخریب، ویرانی و سایر مظالمیکه روزمره اعضای این سازمان مرتکب میگردند، گناه عظیم پنداشته میشود.

**( آیا میتوان به چنین اشخاص که مرتکب گناه و جنایات میگردند مسلمان خطاب کرد ؟ )**

لذا میتوان گفت که این سازمان دین اسلام را من حیث اقرار داده، مصروف تحقق اهداف سیاسی کشورهای تمویل و منافع شخصی رهبران سازمان بوده، در بدنامی اسلام و اسلام ستیزی وظیفه تاریخی خویش را انجام میدهند. صدها مثال از قتل و کشتار، تخریب و ویرانی، تجاوز به مال و ناموس مردم توسط اعضای این سازمان و شاخه های آن در سراسر جهان وجود دارد. طور مثال میتوان اعمال روزانه گروه های ذیل را که مرتکب گناهان و جنایات روزمره میگردند یاد آور شد :

شبکه حقانی، لشکر طیبه، لشکر جنگوی، سایر گروه های تروریستی طالبان پاکستانی، جنبش اسلامی ازبکستان، شاخه های القاعده در کشورهای غربی بین سالهای 2001 تا 2011 میلادی که شامل نیروهای اسلامگرا و نیروهای اسلامگرای که به اروپا مهاجرت کرده اند، مستقیماً به صفوف القاعده پیوستند، که عملاً با مصارف گزاف ( پروگرامهای اینترنتی، تلویزیونی، محافل، مساجد و سایر امکانات، و سنو استفاده از نام آزادی و دموکراسی ذهنیت جوانان مسلمان مقیم کشورهای غربی را در جهت تحقق اهداف شوم خویش تغییر میدهند. مثالهای آنرا در جنایات و عملیتهای تروریستی، سال 2004 در مادرید، سال 2005 در لندن که موجب کشته شدن صدها انسان گردید. بهمین شکل در آمریکا حادثه یازدهم سپتامبر، تلاش ناکام حمله تروریستی نجیب الله زازی به سیستم مترو در تونلهای زیرزمینی نیویورک بود. و حمله تروریستی در مسابقات سپورتی در امریکا ...

در کشورهای عربی: قیامهای (بهار عربی) نسبت عدم ایجاد حکومتات با ثبات در آن کشورها زمینه تولد شاخه های جدید القاعده گردید، فعلاً اکثر مردم خاورمیانه دچار خشونت مستقیم این گروه های زیرنام القاعده میباشند که بارزترین آنها، همین گروه های مسلح در گیبوتی، سوریه است.

گروه های القاعده در جزیره العرب و انصار الشریعة در یمن حکومت اقامه شریعت اسلامی را ایجاد نمود. که با تطبیق دساتیر خشن تحت نام شریعت اسلامی، جنایات عظیم را روزانه مرتکب میگردند. در کشورهای شمال و شمال غرب آفریقا مانند لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، موریتانی و مالی فعالیتهای فوق الذکر را دارند.

سقوط نظام حسنی مبارک در مصر توسط اخوان المسلمین، فرصتی برای ایمن الظواهری مصری فراهم نمود تا دوباره به مصر بازگردد. اما سرنگون کردن محمد مرسی در جولای 2013 توسط ارتش مصر موجب گردید تا جلو فعالیت این گروه در مصر تا حدودی محدود گردد.

جبهة النصره لاهل الشام، جبهه یاری اهالی شام، دولت اسلامی عراق و شام که مخفف نام آن (داعش) میباشد موجب گردید که تحت نام جهاد تعداد زیاد مردم مسلمان این کشورها را به شکل بیرحمانه کشته شود، بر زنان شان تجاوز و کتله وسیع مردم به شمول اطفال، زنان و پیر مردان به کشورهای متعدد مهاجر گردند. رقمی مهاجرت این جنایات بلند تر از تعداد مهاجرین افغان در خلال جنگ در افغانستان میباشد.

به همین شکل شاخه های دیگر القاعده در سایر کشورهای جهان با تبلیغات مملو از مطالبیکه در آن منافع شخصی و سیاسی نهفته است، مسلمانان احساساتی به خصوص جوانان را که اسلام را از والدین خویش به ارث برده اند، جلب و جذب نموده، تحت نام جهاد آنان را به جبهات جنگ خویش ارسال میدارند. ما

شاهد صد ها جوان مسلمان در اروپا هستیم که در باره اسلام و مفهوم آن معلومات اندک و لازم نداشته، تحت تاثیر تبلیغات مبلغین آن قرار گرفته، از محیط علم و دانش فاصله گرفته، تقلید کورکورانه از تطبیق فروع دین که توسط چنین سازمانها تحت نام اسلام ( در حالیکه اسلام واقعی چنین حکم نمی نماید) مینمایند.

طور مثال طالبان را که یکی از شاخه ها و پیرو این فرقه میباشند یا اور میگردیم :

### **طالبانیم :**

به اساس مطالعات و بررسی ها، تعریف ذیل را میتوان از طالبان ارائه نمود :

طالبان عبارت از چکیده عصاره تند روان اسلامی که ناشی از تضاد های جنگ سرد در کوره های عقاید عقب مانده مذهب دیوبندی و مجهز با افکار و اندیشه های قبیایل پاکستانی بوده، پرتاب شده و باهیزم کشورهای ( کمک مثلث تشکیل دهنده یعنی عربستان سعودی، امریکا- انگلیس واقع کشور پاکستان) با آتش بیسوادی و افکار تحجری که از علم و تمدن نفرت دارند، نیم سوز شده و جهت تحقق منافع تولد کننده گان شان در آغوش سازمان القاعده صیقل یافته و به آفت انسان کشی در منطقه و جهان تبدیل گردیده اند پاکستان بعنوان چوکیدار منفعت جو (حامی) به مرکز تجمع، تربیه گاه و آماده کننده نیروهای تروریستی که توسط کشور های فوق الذکر اکمال و تجهیز میگردند، در تباهی مردم و کشور ما، سایر انسانان کره زمین و بدنامی دین مبین اسلام صادقانه اجرای وظیفه مینماید.

این فرقه که به کرامت انسانی احترام قائل نیستند. و رهبران شان را باید دشمنان اسلام، انسان و انسانیت دانست. چرا که با انجام اعمال تروریستی و حملات انتحاری :

**1- کشتار انسانان تحت عناوین مختلف دینی، مذهبی، قومی، سیاسی و غیره دلایل غیر عقلانی، در حالیکه قتل نفس در اسلام از جمله گناهان کبیره و نا بخشودنی میباشد.**

**2- رهبران این گروه حتی به پیروانش ترحم نه نموده، از اعتقادات پاک اسلامی آنان سئو استفاده کرده، با تبلیغات منفی، جهاد دروغین را در افکارشان تدریق نموده، سپس احساسات دینی شان را تحریک مینمایند. آنان جانهای شریف خویشتن را فدای امیال شوم رهبران خود میکنند. جوانان بی تجربه که از مفهوم واقعی اسلام مطلع نیستند تحت تاثیر اعتقادات پاک مذهبی قرار گرفته، مرتکب انجام عمل انتحاری (خودکشی) میگردند. سوال پیدامیشود که آیا: (اعضای فامیل های بن لادن، ملا عمر و دیگر رهبران طالبان عمل انتحاری را انجام داده و یامید دهند؟) جواب منفی است چرا که نمی خواهند زنده گی خود یا اعضای فامیل شان را در این دنیای پر از لذت از دست بدهند. بخاطریکه همه امکانات زندگی (ثروت و جای داده ها را بنام جهاد و اسلام، که شامل قاچاق مواد مخدره چورو چپاول دارائیه عامه و خصوصی و غیره اعمال انجام میدهند، بدست آورده و میآورند.) برای شان مهیا است. گرچه میدانند که عمل خودکشی و یا انتحاری گناه کبیره است، آرزو ندارند که در راه ( اسلام ساختگی خود شان) جانهای شریف خود و یا فامیل های خویشتن را فدا کنند. لذا منافع شخصی و گروهی این گروه ها، نقش اساسی را در ایجاد تفرقه در اسلام دارد.**

**3- این گروه خنجر تعصب را بر پیکر اهل تسنن نیز فرو برده و از گزند آنان مصونیت نداشته. تا کنون شاهد قتل صد هاتن از بزرگان اهل سنت بدست طالبان و هم کیشان شان هستیم.**

**طالبان چیطور بوجود آمد : عملکرد و فعالیت های سه دهه اخیر این مجاهد نماها که خود حامی دین اسلام را مینمایند ثابت میسازد که با استفاده از نام اسلام بخاطر منافع شخصی در خدمت کشور های مختلف قرار گرفتند، و در جهت تحقق آرمانهای مداخله گران از هیچ گونه سعی و تلاش و جنایت دریغ نه نموده اند. هر گاه در اجرای تعهدات خویشتن تعلل نمودند مانند مهره های شطرنج جایشان توسط مهره جدید عوض میگردید. چون هدف اکثر این مسلمان نماها منافع شخصی و سیاسی تحت نام جهاد بود، با تصاحب قدرت، مصروف چورو چپاول و زراندوزی گردیدند. موقفهای بلند دولتی، زنده گی آرام**

در منازل لوکستر (دیگر در دشت و کوه ها سرگردان نبوده) مغرور گردیدند و کمتر هدایات و لینعمیتان شانرا (سیا و آی. اس آی) را عملی میکردند. و پاکستان هم دیگر از کمکهای مالی و پولی گزاف دول کمک کننده بنام داعیه افغانستان مفاد لازم بدست نمیآورد. تغییر موقف داده با مهره های قبلی آهسته آهسته وداع نموده. و به طرح پلانههای جدید تعرضی، ایجاد گروه طالبان نمود. و آرزو داشت تا کشور مارا توسط دست پرورده های جدیدش (طالبان) تحت تسلط ضمنی و یا مستقیم خود درآورد. همان بود که با کمک مالی عربستان و کمک نظامی امریکا، طلبه مدارس دینی و مذهبی را در پاکستان تعلیمات نظامی داده و گروه طالبان را بوجود آوردند. درین مرحله طبق هدایات وزارت داخله و آی، اس، آی همراه باملشیای پاکستانی تحت نام اسلام و تطبیق شریعت غرای محمدی به گشتار دستجمعی و نسل کشی اقدام نمودند. که در نتیجه به تخریب منابع اقتصادی (تخریب راهها و پلها، به آتش کشیدن زمینهای زراعتی، باغها انار، انگور باغها) ، تاسیسات فرهنگی و کلتوری (تخریب بتهای بامیان که قدامت تاریخی و عواید خوبی اقتصادی برای مردم و دولت داشت). و ضربه محکمی بر اقتصاد آینده وطن ما وارد نمود. بصورت خلاصه طالبان و گروه های فوق که علیه منافع مردم و وطن عزیز ما در طول سی سال اخیر قرار گرفتند. مجاهد نه بلکه تاجران دین بودند، و هستند. چرا که به خاطر منافع شخصی از دین، مذهب، حیثیت و آبرو خود و وطن گذشته، مرتکب صدها خیانت و جنایت گردیده و میگردند، کرامت انسانی برایشان ارزش ندارد. بخصوص زنان که نصف نفوس جامعه را تشکیل میدهند. در حالیکه خود شان از مادران شان که زن بودند بدینا آمدند. و حداقل هر گاه به حقوق مادران نگاه اسلام توجه میکردند. هرگز مرتکب جنایات در مقابل زنان نمیکردیدند.

اندیشه اسلام ستیزی در تطابق با منافع دور اندیشانه کشورهای امپریالیست جهت ناامنی، تخریب و ویرانی کشورهای اسلامی، منطقه و حتی در سطح جهان بوجود آوردند. آنان با کمک های مختلف النوع به مدارس دینی پاکستان نقش عمده را در افراط گرایی مذهبی و اسلام ستیزی انجام داده و میدهند. محمود خان اچکزی یکی از رهبران حزب ناسیونالیست پشتون پاکستان در سال 1995 اظهار داشت که (طالبان ساخته و پرداخته ئی وزیر داخله خود ما نصیر الله بابر هستند و پاکستان طالبان را برای مستعمره ساختن افغانستان ایجاد کرده است.) و سایر نظریات ... اهداف توسعه طلبانه امریکا - انگلیس، کمک مالی اعراب و نیت خصمانه پاکستان زمینه آنرا بوجود آورد که اداره استخبارات و ارتش پاکستان اقدام به سازماندهی وسیع نمود: در مرحله اول اقدام به دعوت مسلمانان نا راضی سراسر جهان جهت پیوستن به صفوف جهاد افغانستان نموده و زمینه های ورود تعداد زیادی از عناصر افراطی و متعصب را آماده ساخت. دولت پاکستان در آن زمان به سفارت خانه هایش دستور داد که بدون هیچ سوال و جوابی به دواطلبان جهاد در افغانستان ویژه بدهند. همزمان با آن اخوان المسلمین خاورمیانه و مجامع و هابی در عربستان نیز با صدور اعلامیه های متعدد از مسلمانها جهان خواستند تا به دعوت پاکستان لبیک بگویند. در حقیقت طراح اصلی این ماجرا و یلبام کیسی رئیس سازمان سیا بود.

قسمت اعظم مصارف پروژه طالبان را عربستان سعودی متقبل شد. استخبارات پاکستان و جماعت اسلامی بر هیری قاضی حسین احمد، کمیته مشترکی برای پذیرایی عناصر افراطی تشکیل داده بودند و راه را برای پیوستن آنان به حزب اسلامی حکمتیار بیشتر آماده نمودند. طبق برخی اطلاعات، طی ده سال بیشتر از 35 هزار مسلمان افراطی از 43 کشور اسلامی به آن پروژه جذب شدند. عامل دیگر در توسعه مدارس دینی و مذهبی پاکستان در آن زمان، انقلاب اسلامی ایران بود چرا که رهبران مذهب شیعه قدرت دولتی را در ایران بدست گرفتند. دولت پاکستان رژیم ایران را به حمایت از شیعیان پاکستان متهم مینمود و احیاء تفکر سنی افراطی را گزینه ای مؤثر برای مقابله و خنثی کردن آن اختلافات مذهبی دانستند. در عین حال پیروزی رژیم اسلامی ایران با واکنش منفی برخی از کشورهای جهان عرب مواجه گردید. کشورهای عربی به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ رژیم اسلامی ایران در پاکستان و منطقه حمایت و پشتیبانی از گروه های تندرو اسلامی سنی مذهب را بیشتر نموده و به گسترش و حمایت مالی از مدارس مذهبی پرداختند. قرار آمار نشر شده در مطبوعات فعلاً بیشتر از (15000) مدرسه دینی - مذهبی در پاکستان وجود دارد.

احمد رشید یکی از ژورنالیستان سرشناس پاکستان طی گزارش خویش مینویسد: (که در پایان دوره ضیاءالحق، حدود 8000 مدرسه رسمی و 25000 مدرسه غیر رسمی فعال شده بود. بایک محاسبه ابتدایی به آسانی می توان فهمید که این همه مدارس و شاگردان نمی توانست از استادانی در سطح بالا و حتی متوسط با حداقل سواد و دانش اسلامی بهره مند باشد. به قول احمد رشید، ملایانی جاهل و کم سواد، آموزش طلاب این مدارس را به عهده گرفتند ملایانی که تفسیر آنان از شریعت و مذهب، مانند آموزش های جمعیت العلماء، عمیقاً متأثر از مقررات، ضوابط و رسوم قبایلی بود. این مقررات و قواعد قرار دادهای نامدون و نامکتوبی هستند که مناسبات و روابط درونی و بیرونی قبایل را بر اساس آن مجاهدین نارضی افغان، ناراضیان دیگر سازمانها، حتا بعضی حلقات افغانی که ادعای روشنفکری رامینمودند، جهت ضربه زدن به حریفان، خود را در لحافهای قومی، لسانی و سایر امراض تباہ کننده کشور ما پوشانیده و در خدمت دشمنان وطن و مردم ما ( استخبارات پاکستان و حامیان شان) قرار گرفتند. با همکاری گروههای تندرو پاکستانی و دیگر ناراضیان مسلمان از سایر نقاط جهان که در پاکستان تجمع نموده بودند، تحت نظر استخبارات آنکشور در پهلوی کمپهای تربیت نظامی و چرنیکی، شامل مدارس دینی و مذهبی گردیدند.

آن مدارس مرکز تربیه اطفال و جوانانیکه در محیط تنگ فامیلهای متعصب مذهبی تولد و از علم و دانش، معارف، فرهنگ و تمدن بدور مانده بودند، توسط ملایان متعصب و هابی و دیوبندی که اسلام را در چوکات تنگ عقلی خویش محدود ساخته با تدریق نمودن افراطی ترین اندیشه های اسلامی، دین را به ایدولوژی جبار و ظالم تبدیل نموده اند تحت تعلیم مذهبی و آموزش نظامی قرار گرفته و تا حال این فعالیتهای ضد اسلامی و انسانی شان ادامه دارد. رهبران آن سازمانها و دولت پاکستان در بد نامی دین اسلام بالوسیله ترور و کشتار کوشیده و مدارس دینی را به زایشگاه طالبان (مرکز تولید و توریج تروریستان) تبدیل نموده اند. از جانب دیگر عربستان سعودی و سایر هم کیشان و هابیت که تمویل کنندگان این مدارس بوده و میباشند، با جمعیت العلماء پاکستان پیوند اعتقادی نزدیک داشته، با استفاده از این زمینه به ترویج و القای و هابیت پرداختند، تا سربازان تازه را برای اشاعه و ترویج مذهب خویش بدست آورند. سربازان بیسواد، متعصب، تنگ نظرو بی خیر از جهان که نه از تاریخ خود و نه از تاریخ و خوبی های اسلام اطلاعی لازم نداشتند. تنها تحت تأثیر تبلیغات و روایات ملایان و هابی در محدوده منافع آنان قرار گرفته اند. بهمین شکل چندین مرکز تربیه و پرورش تروریستی دیگر نیز وجود دارد که در همین راستا فعالیت دارند که میتوان از مدرسه حقانیه در اکوراکتک که توسط مولانا سمیع الحق اداره میشود و مدرسه جمعیت العلوم اسلامی که در شهر مینوری نزدیک کراچی قرار دارد و... که توسط دولت پاکستان حمایت میگردند.

رهبران و کادرهای نظام طالبی که اکثراً بیسواد و متشکل از طلبه و اشخاص متعصب مذهبی بودند و در فهم و برداشت از پدیده ها و تحولات اجتماعی، برخورد با مردم و مخالفین شان بیشتر تحت تأثیر عنعنات و رسوم بدوی - قبیلوی بودند تا از قوانین و ارزشهای اسلامی.

بدین لحاظ آنان با فرهنگ، تمدن، پیشرفت، تکنالوژی، زندگی مدرن و شهری به مخالفت پرداختند. در قدمه اول حقوق و آزادی های بیشتر از نصف نفوس جامعه افغانی (زنان) را محدود و در بعضی حالات سلب نمودند. طالبان در اولین روز بقدرت رسیدن خویش چنین فرمان صادر نمودند که: که زنان از آغاز آفرینش، گناهکار آفریده شده اند و تنها راه فرار یک مسلمان اصیل از گناه آن است که زن، یا زنان او در پنهانی ترین گوشه خانه، زندگی کنند. بر این اساس طالبان برای حضور زنان در انظار عامه محدودیت های تنگ نظرانه اعمال کردند. از زنان خواستند که حتی الامکان در انظار عمومی ظاهر نشوند و زمانی از خانه خارج شوند که پوشش کامل داشته باشند. منظور ایشان از پوشش کامل، پوشیدن چادری که سرتاپا را می پوشاند و یک توری کوچک مستطیل شکل در جلوی چشمان که حداقل دید را امکان پذیر سازد، داشته باشند.

ملا عمر رهبر طالبان در فتوای نمره 17 مورخ 11 سنبله 1377 که در نشریه ظاله حزب الاسلام مربوط طالبانکه در پاکستان بچاپ میرسد چنین بیان داشت، که فشرده فتوای ملا عمر در مجله کیهان چاپ لندن به نشر رسید ( ما امیر المومنین امارت اسلامی افغانستان در استجاب استغار مومنان در رابطه با

حکم مقدس (شرح مقدس) نسبت به روافض (شیعیان) داده که سلف صالح محاربه با آنها را فرض واجب دانسته اند، حکم فوق شامل اولاد و عیالات آنها نیز میشود و معامله با نسوان بعنوان جاریه «کنیز» اشکال شرعی ندارد. ( مفهوم ساده این فتوا اینست که کشتن شیعیان بعنوان رافضی واجب است ، دختران و زنان شان را نیز بعنوان کنیز بگیرید و هرکاری می خواهید با آنها بکنید .

هرگاه هدف طالبان جهاد در راه اسلام میبود، اولاً جهاد اکبر که تزکیه و اصلاح نفس میباشد مبارزه میکردند. رهبران گروه طالبان ابتدا محیط تعلیم و تربیه شان فارغ از فسق و فجور میآختند تا با اخلاق و کلتور عالی اسلامی در جهت تبلیغ و تنویر مسلمانان کار میکردند اما بدبختانه فسق و فجور بین شان اوج گرفت. به اساس راپورهاییکه از طریق رادیو بی - بی - سی در سال 1996 نشر شد طی یکسال بیش از 4230 واقعه لواطت که در مدارس دینی صورت گرفته بود که به ارگانهای عدلی آنکشور ثبت گردیده بود. اینکه چه تعداد روی ممانعت ها و عوامل مختلف نتوانستند مراجعه نمایند شاید بیشتر از دوچند آن باشد. چنانچه امیر المومنین به اساس فرمان خویش تحت نام توصیه درباره خارج نمودن **برهنه رویان** از دلگی ها و محاذات به شکل صادر نمود که در شماره 788 جریده رسمی به نشر رسید.

طالبان بر علاوه تجاوز به حقوق و آزادی های هموطنان ما بشکل انفرادی، اقدام به نسل کشی و کشتارهای جمعی و از بین بردن و سوختاندن مزارع زراعتی نمودند. که این سلسله کشتار و جنایات شان با وحشت تمام ادامه دارد.

توضیح مطلب ادامه دارد...

با احترام عبدالواسع غفاری